

رخداد

اتهام باند قاجاق عتیقه

■ **شرق:** باند قاجاق عتیقه‌های چهار میلیارد تومانی با دستگیری سه قاچاقچی و کشف مجسمه باستانی داریوش در مشهد متلاشی شد.
سردار بهمن امیری مقدم، فرمانده انتظامی استان خراسان‌رضوی در این‌باره گفت: کاراگاهان پلیس آگاهی با انجام اقدامات وسیع اطلاعاتی در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز به سرخ‌نهایی از فعالیت باند بزرگ قاجاق عتیقه‌های باستانی وگران قیمت در مشهد دست یافتند و با شناسایی عوامل اصلی قاچاق، در اقدامی اطلاعاتی متهمان را تحت نظر قرار دادند.

وی خاطرنشان کرد: پلیس اعضای اصلی باند را زمان برگزاری جلسه‌ای در یکی از مراکز بین‌المللی اقامتی و پذیرایی در مشهد و در حالی که قصد داشتند یک مجسمه «داریوش بر تخت» را با عیار طلای بالا و وزن ۲۰۸ گرم بفروشدند دستگیر کردند. بنا بر اظهارات قاچاقچیان، ارزش ربالی اشیای عتیقه چهار میلیارد تومان است و این اشیا شامل یک تابوت سنگی، سه عدد مجسمه طلایی داریوش و دو تخته فرش بسیار گرانبهای قدیمی است. فرمانده پلیس خراسان‌رضوی افزود: اصالت و ارزش ربالی مجسمه کشف شده از سوی سازمان میراث فرهنگی در حال بررسی است و تحقیقات وسیع پلیسی برای کشف دیگر اقلام عتیقه مورد ادعای قاچاقچیان همچنان ادامه دارد. وی گفت: سه متهم اصلی پرونده با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شده‌اند.

طغیان رودخانه در پل‌سفید دو قربانی گرفت

■ **ایسنا:** رییس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر اعلام کرد: حدود ۳۰ نفر از اهالی روستای ونداور واقع در کلاردشت که بر اثر وقوع سیل، راه دسترسی به آنان قطع شده بود توسط امدادگران نجات یافتند. محمود مظفر درباره آخرین وضعیت کمک‌رسانی به سبل‌زدگان رودبارک در کلاردشت، گفت: بر اثر وقوع سیل از سه روز پیش حدود ۳۰ نفر از اهالی روستای ایمرن‌دین شامل افراد سالمند، بیماران، کودکان و زنان در سیل گرفتار شدند و هیچ‌گونه راه دسترسی به این افراد وجود نداشت که امدادگران به وسیله یک بالگرد ضمن بازدید از منطقه این افراد را نجات دادند. وی ادامه داد: برخی از این افراد دچار ضعف بدنی شده بودند که اقدامات امدادی مورد نیاز در رابطه با این افراد انجام شد و اقلامی همچون چادر، پتو و کنسرو برای ۱۰۰ خانوار در اختیار حادثه‌دیدگان قرار گرفته است. مظفر گفت: الوارهای چوبی برای احداث پل و لوازم دامداری و کشاورزی با بالگرد به مناطق صعب‌العبور روستای سبل‌زده برده شد. رییس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر همچنین از وقوع طغیان رودخانه در شهرستان پل‌سفید در استان مازندران خبر داد و گفت: بر اثر وقوع این حادثه دو نفر غرق شدند.

استرداد کلاهبرد فراری از امارات

■ **پلیس‌خبر:** مردی که به اتهام کلاهبرداری و صدور چک بلامحل در ایران تحت پیگرد مراجع قضایی بود، در کشور امارات متحده عربی دستگیر و به کشور مسترد شد.
متهم که «ع.ش» معرفی شده است پس از ارتکاب چندین فقره کلاهبرداری و صدور چک بلامحل از کشور متواری شد؛ این در حالی بود که از سوی شعب متعدد قضایی از جمله شعبه اول و سوم اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه یک تهران، شعبه چهارم اجرای احکام ناحیه ۱۲ تهران و شعبه یکم اجرای احکام ناحیه ۷ تهران تحت تعقیب قرار داشت.
با توجه به خروج متهم از کشور، مراجع قضایی ضمن ارجاع موضوع به پلیس بین‌الملل خواستار ردیابی و دستگیری وی شدند؛ سپس هماهنگی‌های لازم با پلیس اوبوطنی انجام و او بازداشت شد.
در نهایت متهم سه روز قبل به کشور مسترد و تحویل مراجع قضایی شد.

دستگیری متهم به قتل در کمتر از ۵ ساعت

■ **پلیس‌خبر:** متهمی که در یک نزاع، فردی را به سبزوار به قتل رسانده و فراری شده بود، در کمتر از پنج ساعت از ارتکاب قتل، دستگیر شد.
ماموران پلیس سبزوآر ساعت ۲۳:۵۰ روز شنبه در پی وقوع این نزاع، به محل حادثه اعزام شدند و فهمیدند متهم با دو مرد ۵۷ و ۱۹ ساله درگیر و هر دو نفر را بعد از مجروح کردن با یک قبضه چاقو از محل متواری شده است. در ادامه مجروحان به بیمارستان منتقل شدند اما مجروح ۵۷ ساله حادثه بر اثر شدت جراحات و خونریزی جان خود را از دست داد.
ماموران پلیس بلافاصله با انجام تحقیقات اولیه از مجروح و اهالی محل و اجرای طرح مهار، در ساعت ۴:۳۰ باسداد قاتل را شناسایی و دستگیر کردند.

شرق: جلسه محاکمه زنی که از هشت سال قبل به قتل همسرش متهم شده، تحت‌تأثیر سرنوشت دختر این زن که زمان مرگ پدرش ۹ ساله بود، قرار گرفت. این دختر چندین فقره سابقه فرار از خانه دارد و اکنون نیز در زندان به سر می‌برد. به گزارش خبرنگار ما، متهم این پرونده که لیلا نام دارد، پیش از این شش مرتبه محاکمه و چند بار از اتهام قتل تبرئه شده اما هربار خانواده شوهرش به رای صادره اعتراض کرده پرونده دوباره مورد بررسی قرار گرفته است. لیلا متهم است همسرش کریم را به زنجیر بسته و او را خفه کرده است. این زن اتهام خود را رد می‌کند و مدعی است شوهرش خودکشی کرده و پیش از مرگش هم سابقه اقدام به خودکشی داشته است. لیلا روز گذشته دوباره ماجرای مرگ شوهرش را برای قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران تعریف کرد و گفت: شب قبل از حادثه شوهرم مواد مصرف کرده بود. او قبلاً چندین بار دست به خودکشی زده و معتاد هم بود. من و دخترم مینا به اتاق رفتیم که بخوابیم، شوهرم همچنان مواد می‌کشید. صبح ساعت شش بیدار شدم تا دخترم را برای رفتن به مدرسه آماده کنم. از اتاق که بیرون آمدم، دیدم شوهرم از در انباری آویزان شده است. او خودش را حلق آویز کرده بود. لیلا در توضیح اینکه چطور کریم قفل موتورش به چارچوب انباری بسته بود. وقتی او را دیدم، فریاد زدم و خانواده‌اش را با خبر کردم. بلافاصله به اتاق رفتم. کلید قفل را از کسوی کمد برداشتم و زنجیر را باز کردم. وزن شوهرم زیاد بود و من نتوانستم او را بفل کنم و زمین‌بگذارم برای همین به زمین کوبیده شد. متهم ادامه داد: بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفتم. آنها پدید آمدند، البته شوهرم فوت شده بود و کاری از دست کسی بر نمی‌آمد. چند روز بعد خانواده شوهرم از من شکایت و من را به عنوان قاتل فرزندشان معرفی کردند با اینکه می‌دانستند من این کار را نکردم. وقتی بازداشت شدم به خاطر فشارهای که در اادم آگاهی به من وارد شد، مجبور به اعتراف شدم. من سباز به شکل مختلف اقرار کردم و هر اعتراف هم دیگری را نقض می‌کرد. حتی مجبور شدم بگویم دو نفر در این قتل شریک بودند. از آنجایی که دروغ گفته بودم کسی

لیلا در اولین جلسه محاکمه مادر

شناسایی نشد و من دوباره مجبور شدم اعتراف کنم شوهرم را به تنهایی کشته‌ام. صحنه قتل را هم بازسازی کردم. به محض اینکه پرونده‌ام از بازپرسی خارج شد و به دادگاه رفت، واقعیت را گفتم. خانواده شوهرم با من دشمنی دارند حتی دخترم مینا را وادار کردند علیه من شهادت دهد و بگوید مراد در حال قتل شوهرم دیده است. شعبه ۷۴ دو بار من را محاکمه کرد و هر دفعه محاکمه سه جلسه طول کشید. بار اول تبرئه شدم و دیوانعالی حکم را با اعتراض خانواده همسرم نقض کرد. بار دوم با توجه به اینکه قاضی شعبه عوض شده بود، باز هم محاکمه و تبرئه شدم. این‌بار هم به رای اعتراضی شد اما دیوان از دادگاه خواست که مراسم قسمه را اجرا کند. اما دادگاه گفت، شکی ندارد من در قتل نقشی نداشتم بنابراین لزومی ندارد مراسم قسمه بر گزار شود. دوباره دیوان بر نظرش اصرار کرد بنابراین من دوباره به دادگاه آورده شدم. هشت سال از این ماجرا گذشته است. دخترم در آن زمان ۹ ساله بود و حالا ۱۷ سالش است. او به خاطر آزارهای خانواده پدری چندین بار فرار کرده و زندانی شده است.

آغاز محاکمه متهمان جنایت خمینی‌شهر

شرق: قضات دادگاه کیفری استان اصفهان رسیدگی به پرونده جنایت در باغ خمینی‌شهر را آغاز کردند؛ این در حالی است که یکی دیگر از متهمان این پرونده نیز در اهواز دستگیر شد. پیش از این، هشت نفر از متهمان به تجاوز دسته‌جمعی و همچنین پدر یکی از این افراد به اتهام کمک به فراری دادن متهمان بازداشت شده بودند و رسیدگی به اتهامات آنان از روز پنجشنبه گذشته در شعبه ۱۸ دادگاه کیفری استان اصفهان آغاز شد. در همین حال یکی دیگر از متهمان فراری به نام «جواد – ر» مشهور به «علی منچی» در حالی که به اهواز گریخته بود، دیروز دستگیر شد. این متهم که فردی سابقه‌دار است بازودی به خمینی‌شهر منتقل و تحقیقات مقدماتی از وی آغاز می‌شود. در همین حال غلامرضا انصاری – رییس دادگستری استان اصفهان – دیروز به پایگاه اطلاع‌رسانی عبرت گفت: «تعداد متهمان این پرونده ۱۶ نفر است که اتهام یکی از آنان یعنی باغانی که تمهیداتی را برای متهمان اصلی فراهم کرده، معاونت در جرم است. وی ادامه داد: ۹ نفر از متهمان دستگیر شده‌اند و در رابطه با دستگیری هفت نفر دیگر نیز تمهیداتی اندیشیده شده که به زودی دستگیر خواهند شد. انصاری با بیان اینکه

کلاهبرداری ۲ میلیاردی توسط نماینده بیمه

شرق: سرمایه‌گذاری در شرکت معتبر بیمه، ترغندم‌رشدی بود که با استفاده از آن توانست ده‌ها نفر را فریب دهد و دو میلیارد تومان کلاهبرداری کند. به گزارش خبرنگار ما، تیر سال گذشته مردی نزد پلیس رفت و در دادوستی مدعی شد مردی با معرفی خود به‌عنوان نماینده یکی از شرکت‌های معتبر بیمه و به‌بهانه سرمایه‌گذاری از وی کلاهبرداری کرده است. وی دراین‌باره گفت: مدتی قبل در بین آگهی‌های روزنامه‌ها با یک آگاهی جذب سرمایه‌گذار روبه‌رو شدم. در این آگهی یک شرکت بیمه اعلام کرده بود به سرمایه‌گذار نیاز دارد. وقتی با شماره تلفن اعلام شده تماس گرفتم فردی به نام علیرضا خودش را نماینده شرکت بیمه معرفی کرد و گفت برای توسعه خدمات بیمه به افزایش سرمایه نیاز دارد. او گفت در صورتی که در آنجا سرمایه‌گذاری کنم، به صورت ماهانه به من سود پرداخت می‌کند. من هم مقداری پول در بانک پس‌انداز کرده بودم و تصمیم گرفتم در این شرکت سرمایه‌گذاری کنم؛ البته پیش از آن درباره شرکت تحقیق

حوادث



سرنوشت تلخ دختری که مادرش به قتل متهم شد

سال‌های سیاه اتهام

آیا حالاخانواده پدری مینا پاسخگوی رفتاری که با او شده است، هستند. این زن ادامه داد: «بار اولی که مینا در دادگاه حاضر شد و علیه من شهادت داد، گریه می‌کرد. بار دوم که دادگاه او را احضار کرد، وقتی خانواده پدری‌اش از دادگاه بیرون رفتند، او فقط گریه کرد و حرفی علیه من نزد. همیشه این سوال برای من بود که چرا دخترم این کار را کرده است و جوابی نگرفتم اما اینکه وقتی با قرار وثیقه از زندان آزاد شدم به سراغ دخترم رفتم. تازه فهمیدم دخترم از خانه فرار کرده‌است. او اسیر درگیری‌های پدربزرگ و مادربزرگش شده بود. از آنها خواشش کردم به من بگویند مینا کجاست تا خودم از او نگهداری کنم اما آدرسی به من ندادند. بعد هم خانمشان را عوض کردند تا پیدایشان نکنم. از همسایه‌ها پرسیدم کسی نمی‌داند مینا کجاست. دلم اشوب بود و نگران دخترم بودم. تا اینکه یکی از همسایه‌ها با من تماس گرفت و گفت: شوهر عمه مینا نیمه شب او را از خانه بیرون کرده است. آن همسایه گفت: فرزند من به شدت کتک خورده است و من هم برای اینکه بتوانم دخترم را پیدا

کنم، هر جایی که فکر می‌کردم دنبالش گشتم. تا اینکه دوباره به دستنور دادگاه بازداشت شدم و دخترم را در زندان دیدم. ایسن درد بزرگ را هرگز فراموش نمی‌کنم. وقتی دخترم را در زندان دیدم، انگار دنیا بر سرم خراب شد. وقتی به خانواده شوهرم اعتراض کردم که چرا با مینا چنین رفتاری کردند، به من گفتند دخترم از نظر اخلاقی فاسد شده است. اگر آنها با زندگی من چنین نمی‌کردند آیا مینا دختر فاسدی می‌شد؟ لیلا گفت: دخترم را از زندان به بهزیستی دادند، شرایط بهزیستی را نتوانست تحمل کند، دوباره فرار کرد تا به زندان بیاید و با من باشد. وقتی دوباره بازداشت شد به ماموران التماس کرد که او را به بهزیستی نفرستند و اجازه دهند کنار من باشد. اگر خانواده شوهرم با من لج نمی‌کردند و

دخترم را وقتی آزاد بودم به من می‌دادند، حالا او دختر سالمی بود. در این هنگام پدربزرگ مینا خطاب به قضات گفت: از نوازش به خوبی نگهداری کرده و حرف‌های متهم دروغ است. قاضی عزیز محمدی هم به‌صورتجلسه دادگاه اشاره کرد و گفت: شما در جلسه قبل گفتید حاضر به نگهداری از مینا نیستید و مدعی شدید او دختر فاسدی شده است. بنابراین حالا نمی‌توانید چنین ادعایی کنید. قطعاً سرنوشتی مثل سرنوشت سهیلا قدیری – دختری فراری که فرزند پنج‌روزش را در یک مرکز بهزیستی به قتل رساند و اعدام شد- در انتظار این دختر است و بهتر است اجازه دهید او با مادرش زندگی کند. در ادامه جلسه دادگاه، متهم در آخرین دفاعیاتش گفت: زندگی‌ام به خاطر اتهامی که به من زده‌اند، نابود شد. خانواده شوهرم من را به عنوان یک زن فاسد معرفی کردند و حالا نوبت دخترم است. او به شدت از سوی خانواده پدری‌اش مورد آزار قرار گرفته و اثر زخم و کبودی تا مدت‌ها روی بدن او بود. اجازه دهید من از دخترم نگهداری کنم و بتوانم او را نجات دهم. دختری که از ۱۲ سالگی بیرون از خانه زندگی کرده است و خانواده پدری‌اش به خاطر اینکه من تبرئه شدم او را تحت فشار قرار داده‌اند، چه سرنوشتی خواهد داشت. شما اگر قسم می‌زنید بازگو کنید، من به من بازگردانید. تنها کسی که می‌تواند او را به زندگی بازگرداند، من هستم.

بنابر این گزارش بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات وارد شور شدند.

بازگشت به خانواده بعد از ۱۹ سال

آنکه تلاش اولیه به نتیجه نرسید به تحقیقات ادامه دادند و موفق شدند یک‌شماره حساب پس‌انداز از سارا به دست آورند و پس از آنکه برای ماموران محرز شد صاحب شماره‌حساب آغوش خانواده‌اش بازگشت، بهمن ماه سال گذشته پرونده‌ای مبنی بر مفقود بودن دختری به نام سارا از مرجع قضایی به پلیس آگاهی استان تهران رسید. برادر دختر مفقودشده در اظهارات خود به ماموران گفت: خواهرم زمانی که منزل ما را ترک کرد ۲۱ سال داشت و الان اگر زنده باشد ۴۰ساله است و از آن زمان تاکنون هیچ نشانه‌ای از او به دست نیآورده‌ام. وی گفت: خواهرم در سال ۷۱ تصمیم داشت با پسری که به یکدیگر علاقه داشتند ازدواج کند اما وقتی با مخالفت خانواده مواجه شد، یک روز به همراه پسر مورد علاقه‌اش از منزل خارج شد و دیگر بازنگشت و از آن تاریخ هرچه دنبالش گشتم، نتیجه‌ای عایدمان نشد» ماموران بعد از شنیدن این اظهارات برای به دست آوردن سرخ‌ضمن بهره‌گیری از بانک اطلاعات در پلیس آگاهی از سایر نهادهای به‌خطر افتاده بودن اجازه آنها منتهل را ترک کرده‌ام. دیگر ناخواهد پذیرفت به همین خاطر از همان روزهای اول که فرار کردم به صورت مجرّی زندگی می‌کنم و توانستم با تلاش و فعالیت زندگی‌ام را با حفظ آبرو بگذرانم و الان که خانواده‌ام را پیدا کرده‌ام، بسیار خوشحالم.

هیچ کدام از آنها از ماجرای کلاهبرداری علیرضا اطلاعی ندارند و او خود به تنهایی و با نقشه‌قبلی این کلاهبرداری را عملی کرده است. در جریان تجسس‌های پلیسی ماموران به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد علیرضا پس از متواری شدن به ویلایی در هشتگرد کرج رفته و در آنجا پنهان شده است. با به دست آمدن این سرخ‌ماموران به متخفگاه متهم رفتند؛ اما او پیش از حضور پلیس گریخته بود. با این حال تحقیقات در این‌باره ادامه یافت تا اینکه سرانجام افسران آگاهی محل محل ترتم‌هم را در خیابان هدایت‌شناسایی و وی را دستگیر کردند. شواهد موجود نشان می‌داد علیرضا قصد داشت در خیابان هدایت نیز یک دفتر بیمه راه‌اندازی کند و به کلاهبرداری‌هایش ادامه دهد.

زمانی که متهم تحت بازجویی قرار گرفت، مدعی شد قصد کلاهبرداری نداشته و فقط تلاش کرده از این طریق سرمایه شرکت را افزایش دهد. او گفت: وقتی قادر به پرداخت سود متهمان تصمیم گرفتم تا آن‌دست سرمایه‌گذاران قرار کنم، سرهنگ محمدرضا ذاکراسنقلمتی، رییس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران، با تایید این خبر از افرادی که با این شیوه از آنها کلاهبرداری شده، خواست به پایگاه سوم پلیس آگاهی مراجعه کنند.



نشان می‌داد متهم پرونده با سوءاستفاده از موقعیت خود در نمایندگی بیمه، اعتماد آنها را به خود جلب کرده و در مجموع حدود دو میلیارد تومان کلاهبرداری کرده است. زمانی که کار اگاهان به دفتر نمایندگی بیمه در خیابان ولی‌عصر رفتند و از کارمندان آنجا درباره علیرضا تحقیق کردند مشخص شد

پنج قاره

پسری که در یک طرف صورتش مو رشد می‌کند
بی‌بی‌سی: یک پسر هشت‌ساله به نوعی سندرم نادر مبتلاست که باعث شده موهای در یک طرف صورتش رشد کند. این پسر هشت‌ساله که «گ. گن» نام دارد، اهل منطقه «جیل استون» در اسکاتلند «جیلین» چین است. او از زمان تولد با مشکل رویش موهای زاید در یک طرف صورتش مواجه است، اما هر چه بزرگ‌تر می‌شود، رشد موهایش هم زیاد می‌شود. پدر این پسرپچه هشت‌ساله زمانی که وی چهار سال بیشتر نداشت، درگذشت و مادرش هم به بیماری صرع مبتلاست و از لحاظ روانی نامتعادل است، به‌طوری‌که این کودک هم‌اکنون توسط پدر و مادر بزرگش نگهداری می‌شود. پزشکان چینی تلاش فراوانی برای بهبودی و درمان این پسرپچه هشت‌ساله به خرج داده‌اند، اما تاکنون بهبودی‌ای صورت نگرفته است. یکبار حتی پزشکان و جراحان پلاستیک در یکی از بیمارستان‌های استان «جیلین» برای بهبودی وی از جراحی

نگاه

سرنوشت دخترانی مانند مینا

حسام فیروزی*

■ اگر بخواهیم پرونده اتهام لیلا را مورد مطالعه قرار دهیم نکته قابل تأمل و شاید تلخ‌ترین نکته آن زندگی مینا، دختر این زن است. در علم روان‌شناسی یک اصل کلی وجود دارد آن هم اینکه از بچه‌ها نباید به عنوان شاهد قتل استفاده کرده به‌خصوص اینکه این شهادت برای قتل یکی از والدین باشد. هر فردی در دوران کودکی احساس می‌کند محور جهان است و هر اتفاقی که اطراف او می‌افتد این موضوع را به بچه القا می‌کند که اتفاق رخ داده نتیجه عمل اوست به همین دلیل است که وقتی والدین از هم جدا می‌شوند، کودک بیشتر از هر کسی احساس گناه می‌کند. بنابراین استفاده از کودک برای شهادت علیه والدین، خودش تأثیر بسیار عمیق و ناگواری بر او می‌گذارد. مینا هم از این امر مستثنا نیست. او تصور می‌کند عامل اصلی مرگ پدرش است اما این احساس به همین حد ختم نمی‌شود. این کودک تصور می‌کند عامل زندانی شدن مادرش هم هست، چون علیه او شهادت داده است.

ایین دختر احساسس گناه مضاعفی دارد و نمی‌تواند این حس را در خود کنترل کند. فشار ناشی از اتفاقی که در زندگی‌اش افتاده، نبود والدین در کنارش و احساس گناه باعث شده است او تصمیم بگیرد خود را تنبیه کند. در چنین شرایطی، بهزیستی که متولی نگهداری از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست است، باید از این کودکان حمایت کند. البته این حمایت به معنای آن نیست که به بچه خوراک و پوشاک بدهند، بلکه باید از لحاظ روحی از این افراد حمایت شود و متولیان باید این‌گونه بچه‌ها را روانکوی کنند.

اکنون اگر مینا می‌خواهد در زندان بماند و کنار مادرش باشد فقط به این خاطر نیست که مهربانی را از مادرش طلب می‌کند بلکه او خودش را مقصر این ماجرا می‌داند و قصد دارد از این طریق خود را مجازات کند. خود را مستحق تنبیه می‌داند. آنچه برای این دختر اتفاق افتاده است (فرار از خانه و رفتارهای ناپه‌نجا) را توجه به شرایطی که او در آن قرار داشته اصلاً غیرعادی نیست. بنابراین بهترین راه برای نجات مینا بازگرداندن او به مادرش است تا محرومیت‌های سال‌های گذشته‌اش حالا با بودن در کنار مادر جبران شود. همچنین این دختر باید مورد روانکاوِ عمیق قرار گیرد تا آسیب‌های روحی‌ای که زندگی او را تحت تأثیر قرار داده است التیام یابد. در غیر این صورت او به فردی به‌زکار و انتقام‌گیر از جامعه تبدیل خواهد شد.

✽**روایت‌شک**

حادثه‌ها

جوان‌مازندرانی در سواحل اوکراین غرق شد

■ **فارس:** جوان ۲۷ ساله ایرانی در سواحل اوکراین جان خود را از دست داد. محمدرضا ربیسی که از حدود یک سال پیش دانشجوی دانشگاه اوکراین بود، روز یکشنبه هفته گذشته به همراه دوستان خود به قصد شنا به سواحل این کشور رفت اما هرگز بازنگشت. به گفته یکی از دوستان محمدرضا او به تنهایی مشغول شنا در دریای کی‌یف بود که گرفتار حادثه شد.
پیکر این جوان پس از انتقال از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در کی‌یف، در روستای محمدآباد بر که از بخش مرکزی شهرستان میان‌دورود به خاک سپرده شد.

پخش بلوتوث یک سال بعد از اخاذی

■ **فارس:** افرادی که با اسلحه سرد اقدام به زورگیری از راننده یک خودرو کرده بودند در پی انتشار بلوتوثی از جرایمشان دستگیر شدند.
صمد فرامرزی -معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی آذربایجان‌شرقی- در این‌باره گفت: بود ماموران پلیس اطلاعات و امنیت عمومی مرند در پی وصول خبری مبنی بر انتشار یک بلوتوث که نشان‌دهنده صحنه‌های زورگیری و تهدید با سلاح سرد بود به تحقیق در این‌باره پرداختند. وی افزود: ماموران فردی که قبلم علیه وی پخش شده بود را شناسایی کردند و معلوم شد یک زن و شوهر حدود یک سال پیش به عنوان مسافر از شهر مرند به سمت نقطه‌ای در خارج از شهر سوار خودرو او شدند و در بین راه راننده را با حیله و حقه و ترغند خاصی به بافی در یکی از روستاهای شهرستان کشاندند. این مقام انتظامی ادامه داد: متهمان سپس با همدستی چند نفر دیگر و تهدید اقدام به زورگیری کردند و جرایم خود فیلمبرداری و ممر در جوان را تهدید کردند در صورت مراجعه به مراجع قضایی و انتظامی ضمن پخش فیلم، وی را نیز به قتل خواهند رساند. فرامرزی تصریح کرد: در طول این مدت، راننده به خاطر ترس از آبرو اقدامی نکرده بود تا اینکه نهایتاً یک ماه قبل، یکی از این افراد با تماس‌های مکرر و تلفنی و با حالت تهدید مبنی بر پخش فیلم در بین مردم از راننده مالباخته باج خواست و سپس فیلم را از جرایم خود بلوتوث کرد. ماموران در جریان تحقیقات، چهار مرد و یک زن را دستگیر و متهمان به جرم‌شان اعتراف کردند.